

مفهوم قوه در آیه ۶۰ سوره انفال و دلالت‌های آن برای الگوی قدرت چند بعدی در جنگ ترکیبی

نویسندگان		وابستگی سازمانی	
زهرا کفشدار سرشوری *		دانش آموخته سطح دو، حوزه علمیه نجمه خاتون (س)، ری، ایران	
اطلاعات مقاله		چکیده	
نوع مقاله	پژوهشی	مفهوم «قوه» در آیه ۶۰ سوره انفال، مفهومی گسترده و فراتر از توان نظامی صرف است و می‌تواند شامل همه ظرفیت‌های مادی، معنوی، علمی، اقتصادی، رسانه‌ای و اجتماعی یک جامعه برای بازدارندگی و مقابله با تهدیدات باشد. هدف این پژوهش، تبیین معنای قوه در این آیه و بررسی دلالت‌های آن برای طراحی الگوی قدرت چندبعدی در جنگ ترکیبی است. روش تحقیق، توصیفی تحلیلی و مبتنی بر مطالعه منابع تفسیری، قرآنی و ادبیات نظری جنگ ترکیبی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که آیه بر ضرورت آمادگی همه‌جانبه در برابر دشمن تأکید دارد و این آمادگی تنها به تجهیزات نظامی محدود نمی‌شود، بلکه شامل تولید قدرت در عرصه‌های شناختی، فرهنگی، اقتصادی و فناوریانه نیز هست. نتیجه آنکه الگوی مطلوب قدرت در جنگ ترکیبی، الگویی جامع، بازدارنده، هوشمند و چندلایه است که بر پایه آمادگی مستمر و تقویت همه ابعاد اقتدار شکل می‌گیرد. بدین‌سان، این الگو ضامن امنیت پایدار و اقتدار همه‌جانبه اسلامی در برابر تهدیدات نوین است.	
صفحه	۶۵ - ۷۴		
دوره ۱، شماره ۳ (شماره پیاپی ۳)			
اطلاعات نویسنده مسئول			
نویسنده مسئول	زهرا کفشدار سرشوری		
کد ارکید	-.....-.....-.....		
تلفن	۰۹۱۴۱۵۸۶۱۱۳		
ایمیل	z.kafshdar@gmail.com		
سابقه مقاله			
تاریخ دریافت	۱۴۰۵/۰۱/۰۷		
تاریخ ویرایش	۱۴۰۵/۰۱/۰۸		
تاریخ پذیرش	۱۴۰۵/۰۱/۲۰		
تاریخ انتشار	۱۴۰۵/۰۳/۰۱		
روش پژوهش	توصیفی تحلیلی		
واژگان کلیدی		قوه، جنگ ترکیبی، قدرت، چندبعدی	
توضیحات			
کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می‌باشد.			
خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.			
نحوه استناد	کفشدار سرشوری، زهرا (۱۴۰۵)، «مفهوم قوه در آیه ۶۰ سوره انفال و دلالت‌های آن برای الگوی قدرت چند بعدی در جنگ ترکیبی»، ماهنامه علمی فقه، حقوق و مطالعات اجتماعی، دوره ۱، شماره ۳، شماره پیاپی ۳، (خرداد)، صفحات ۶۵ - ۷۴		

The Concept of Power in Verse 60 of Surah Anfal & its Implications for the Multidimensional Power Model in Hybrid Warfare

Authors		Organizational Affiliation
Zahra Kafshdar Sarshuri*		Level 2 Graduate, Najmeh Khatoon Seminary (S), Rey, Iran
Article Information		Abstract
Article Type	Research	The concept of "power" in verse 60 of Surah Anfal is a broad concept that goes beyond mere military power and can include all the material, spiritual, scientific, economic, media, and social capacities of a society for deterrence and confronting threats. The aim of this research is to explain the meaning of power in this verse and examine its implications for designing a multidimensional power model in hybrid warfare. The research method is descriptive-analytical and based on the study of interpretive, Quranic sources, and theoretical literature on hybrid warfare. The findings show that the verse emphasizes the necessity of comprehensive preparation against the enemy, and this preparation is not limited to military equipment, but also includes the production of power in the cognitive, cultural, economic, and technological fields. As a result, the desired model of power in hybrid warfare is a comprehensive, deterrent, intelligent, and multi-layered model that is formed based on continuous preparation and strengthening all dimensions of authority. Thus, this model guarantees sustainable security and comprehensive Islamic authority against new threats.
Pages	65 - 74	
Volume 1, Issue 3, Third Consecutive Issue		
Corresponding Author's Info		
Corresponding Author's	Zahra Kafshdar Sarshuri	
ORCID	0000-0000-0000-0000	
Tell	09141586113	
Email	z.kafshdar@gmail.com	
Article History		
Received	2026/03/27	
Revised	2026/03/28	
Accepted	2026/04/09	
Published Online	2026/05/21	
Research Method	Descriptive Analytical	
Keywords		
Force, Hybrid Warfare, Power, Multidimensional		
Description		
All rights to this article belong to the authors.		
Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.		
How to Cite This Article	Kafshdar Sarshuri, Zahra (2026), "The Concept of Power in Verse 60 of Surah Anfal & its Implications for the Multidimensional Power Model in Hybrid Warfare", Monthly Scientific Journal of Jurisprudence, Law and Modern Social Studies, Volume 1, Issue 3, third Consecutive Issue (June), pp. 65 – 74	

۱: مقدمه

آیه ۶۰ سوره انفال از مهم‌ترین آیات قرآن در حوزه آمادگی دفاعی و بازدارندگی به شمار می‌آید. در این آیه، خداوند مسلمانان را به «اعداد» و فراهم‌سازی «قوه» فرا می‌خواند. واژه «قوه» در ظاهر، ناظر به توان و قدرت است، اما در بستر مفهومی آیه، تنها به ابزار نظامی یا تسلیحات محدود نمی‌شود، بلکه هر نوع ظرفیت مؤثر برای مقابله با تهدید را در بر می‌گیرد. از این رو، فهم دقیق این واژه نیازمند توجه به سیاق قرآنی، دیدگاه‌های تفسیری و نیز شرایط متحول تهدید در جهان معاصر است. در دوران جدید، ماهیت تهدیدها از حالت صرفاً سخت و نظامی خارج شده و به عرصه‌های اقتصادی، رسانه‌ای، شناختی، فرهنگی و فناورانه نیز گسترش یافته است. بنابراین، بازخوانی مفهوم «قوه» در این آیه می‌تواند مبنایی برای طراحی الگویی جامع از قدرت باشد؛ الگویی که بتواند در برابر جنگ ترکیبی، که ترکیبی از فشار نظامی، تحریم اقتصادی، عملیات روانی، جنگ رسانه‌ای و نفوذ فرهنگی است، کارآمد و بازدارنده باشد. از سوی دیگر، تحولات امنیتی جهان نشان داده است که قدرت در عصر حاضر، ماهیتی چندبعدی یافته و صرف اتکای به مؤلفه‌های نظامی برای تأمین امنیت کافی نیست. جنگ ترکیبی با بهره‌گیری هم‌زمان از ابزارهای سخت و نرم، تلاش می‌کند ساختارهای قدرت، انسجام اجتماعی و اراده سیاسی یک جامعه را تضعیف کند. در چنین شرایطی، آیه ۶۰ سوره انفال می‌تواند به‌عنوان یک متن بنیادین در تبیین الگوی «قدرت چندبعدی» مورد توجه قرار گیرد؛ الگویی که علاوه بر آمادگی نظامی، شامل اقتدار علمی، انسجام اجتماعی، توان اقتصادی، قدرت رسانه‌ای و عمق فرهنگی نیز می‌شود. با این حال، در بسیاری از پژوهش‌های موجود، تمرکز اصلی بر جنبه‌های بازدارندگی نظامی یا تسلیحاتی این آیه بوده و کمتر به دلالت‌های آن برای مواجهه با جنگ ترکیبی و ابعاد غیرنظامی قدرت پرداخته شده است. از این منظر، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که مفهوم «قوه» در آیه ۶۰ سوره انفال چه گستره‌ای دارد و چگونه می‌تواند مبنای نظری برای تبیین الگوی قدرت چندبعدی در شرایط جنگ ترکیبی قرار گیرد. پرداختن به این موضوع از آن رو ضروری است که تهدیدهای امروز صرفاً نظامی نیستند و جوامع بیش از هر زمان دیگر در معرض جنگ شناختی، رسانه‌ای، اقتصادی و فرهنگی قرار دارند. بازخوانی قرآنی مفهوم «قوه» می‌تواند چارچوبی بومی و دینی برای تولید قدرت جامع فراهم کند و به فهم بهتر نسبت میان آمادگی دفاعی، بازدارندگی و امنیت پایدار کمک نماید. پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال اصلی است که: مفهوم «قوه» در آیه ۶۰ سوره انفال چه دلالت‌هایی برای تبیین الگوی قدرت چندبعدی در جنگ ترکیبی دارد؟

۲: بررسی آیه ۶۰ سوره انفال

آیه ۶۰ سوره انفال مسلمانان را به آمادگی همه‌جانبه در برابر دشمن فرا می‌خواند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ». در این آیه، واژه «قوه» محور اصلی فرمان الهی است و در ادبیات عربی به معنای توان، نیرو، شدت و قدرت اثرگذاری به کار می‌رود. این واژه از ریشه «ق و ی» گرفته شده و دلالت بر توانایی و استحکام دارد. در منابع لغوی، قوه به نیرویی گفته می‌شود که انسان به وسیله آن قادر به انجام عمل یا دفع مانع می‌شود و از این جهت تنها به قدرت جسمانی محدود نیست، بلکه می‌تواند شامل توان ذهنی، تدبیر، سازماندهی و امکانات مادی نیز باشد. بنابراین کاربرد این واژه در آیه مذکور نشان‌دهنده نوعی توانایی فراگیر است که جامعه اسلامی باید برای مقابله با تهدیدهای دشمن فراهم سازد و از همه ظرفیت‌های خود در مسیر ایجاد اقتدار بهره گیرد. (ابن منظور، ۱۴۰۰: ۳۹۶) از نظر ساختار زبانی، ترکیب «مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» در این آیه دارای دلالت‌های مهم معنایی است. تعبیر «مَا اسْتَطَعْتُمْ» بیانگر گستردگی تکلیف و توجه به ظرفیت‌های واقعی جامعه است؛ بدین معنا که مسلمانان موظف‌اند هر مقدار توان و امکاناتی را که در اختیار دارند برای آمادگی در برابر دشمن به کار گیرند. این تعبیر نشان می‌دهد که آمادگی دفاعی در اندیشه اسلامی امری نسبی و متناسب با امکانات موجود است. همچنین نکره آمدن واژه «قوه» در عبارت «مِنْ قُوَّةٍ» در زبان عربی غالباً برای افاده عموم و شمول به کار می‌رود و از این جهت مفهوم آن را از یک مصداق خاص فراتر می‌برد. بنابراین آیه تنها به یک نوع خاص از قدرت اشاره ندارد، بلکه هر نوع توان مؤثر در ایجاد بازدارندگی و مقابله با تهدید دشمن را شامل می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۰۰: ۱۱۷) در ادامه آیه به یکی از مصادیق قدرت یعنی «رِبَاطِ الْخَيْلِ» اشاره شده است که در فضای تاریخی صدر اسلام نمادی از آمادگی نظامی

و تجهیز نیروهای رزمی محسوب می‌شد. با این حال، ذکر این مصداق به معنای محدود شدن مفهوم «قوه» به ابزارهای نظامی نیست، بلکه بیان نمونه‌ای عینی از قدرت در شرایط آن زمان است. در واقع، هدف آیه آن است که جامعه اسلامی با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های خود به سطحی از توانمندی برسد که دشمنان از اقدام خصمانه بازداشته شوند. بنابراین مفهوم قوه در این آیه مفهومی گسترده است که علاوه بر قدرت نظامی، می‌تواند شامل عوامل مختلفی باشد که موجب تقویت اقتدار و بازدارندگی جامعه می‌شوند. چنین برداشتی نشان می‌دهد که قرآن کریم بر آمادگی همه‌جانبه برای حفظ امنیت و دفع تهدید تأکید دارد. (طبری، ۱۴۰۰: ۷۶)

۳: جنگ ترکیبی؛ ماهیت و ابعاد

جنگ ترکیبی به‌عنوان یکی از الگوهای نوین منازعه در مطالعات راهبردی معاصر شناخته می‌شود. این نوع جنگ به وضعیتی اشاره دارد که در آن یک بازیگر دولتی یا غیردولتی به‌صورت هم‌زمان از مجموعه‌ای از ابزارهای نظامی و غیرنظامی برای تضعیف رقیب استفاده می‌کند. در این چارچوب، جنگ تنها به درگیری‌های کلاسیک نظامی محدود نیست، بلکه مجموعه‌ای از فشارهای اقتصادی، عملیات رسانه‌ای، جنگ سایبری، اقدامات اطلاعاتی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماعی نیز در کنار اقدامات نظامی به کار گرفته می‌شود. ویژگی اساسی جنگ ترکیبی، تلفیق و هم‌افزایی میان شیوه‌های مختلف نبرد است؛ به گونه‌ای که ابزارهای سخت و نرم در کنار یکدیگر به کار گرفته می‌شوند تا بیشترین فشار بر ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی طرف مقابل وارد شود. در چنین الگویی، هدف اصلی صرفاً شکست نظامی دشمن نیست، بلکه ایجاد بی‌ثباتی، کاهش توان تصمیم‌گیری و تضعیف انسجام داخلی جامعه هدف نیز دنبال می‌شود و همین امر باعث شده است که جنگ ترکیبی به یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی در جهان معاصر تبدیل گردد. (هافمن، ۱۴۰۰: ۳۲) یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جنگ ترکیبی چندلایه بودن آن است. در این نوع جنگ، تهدید از یک مسیر مشخص وارد نمی‌شود، بلکه به‌صورت هم‌زمان در سطوح مختلف نظامی، اقتصادی، رسانه‌ای، فرهنگی و اجتماعی فعال می‌شود. به همین دلیل، مرز میان جنگ و صلح در چنین منازعاتی به‌طور قابل توجهی مبهم می‌شود و اقدامات خصمانه ممکن است بدون اعلان رسمی جنگ و در قالب فشارهای اقتصادی، عملیات رسانه‌ای یا جنگ سایبری انجام گیرد. در این وضعیت، جامعه هدف ممکن است در شرایطی قرار گیرد که بدون درگیری نظامی گسترده، با مجموعه‌ای از فشارهای هماهنگ روبه‌رو شود. این ویژگی سبب می‌شود که شناسایی و مقابله با جنگ ترکیبی پیچیده‌تر از جنگ‌های سنتی باشد؛ زیرا دشمن می‌تواند با استفاده از ابزارهای متنوع و در قالب اقدامات پراکنده اما هماهنگ، محیط امنیتی و سیاسی جامعه هدف را تحت تأثیر قرار دهد و ظرفیت‌های آن را به تدریج تضعیف کند. (گیراسیموف، ۱۴۰۰: ۵) بعد دیگر جنگ ترکیبی تمرکز آن بر اراده و ادراک جامعه هدف است. در بسیاری از موارد، هدف اصلی چنین جنگی نابودی فیزیکی نیروها یا اشغال سرزمین نیست، بلکه تلاش می‌شود اراده سیاسی، اعتماد اجتماعی و انسجام داخلی جامعه تضعیف شود. در این چارچوب، ابزارهای غیرنظامی مانند رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، جریان‌های فکری، فشارهای اقتصادی و عملیات روانی نقش مهمی در شکل‌دهی به میدان منازعه پیدا می‌کنند. همچنین جنگ ترکیبی معمولاً ماهیتی فرسایشی دارد و به‌صورت تدریجی و بلندمدت طراحی می‌شود تا بدون تحمیل هزینه‌های سنگین نظامی، جامعه هدف را دچار فرسایش روانی، اقتصادی و اجتماعی کند. استفاده از چنین رویکردی این امکان را فراهم می‌سازد که مهاجم با هزینه کمتر و بدون ورود به جنگ کلاسیک، به اهداف راهبردی خود نزدیک شود. به همین دلیل، بسیاری از تحلیلگران امنیتی جنگ ترکیبی را یکی از مهم‌ترین الگوهای منازعه در قرن بیست‌ویکم می‌دانند. (موری، ۱۴۰۰: ۸۹)

۴: نسبت مفهوم قرآنی قوه با جنگ ترکیبی

مفهوم «قوه» در آیه ۶۰ سوره انفال ناظر به آمادگی همه‌جانبه برای مقابله با تهدید دشمن است و می‌تواند ابعاد گوناگون قدرت را در بر گیرد. این گستردگی مفهومی با ماهیت چندبعدی جنگ ترکیبی همخوانی دارد. از این‌رو، در ادامه به بررسی ابعاد نظامی، اقتصادی، رسانه‌ای و شناختی قوه پرداخته می‌شود.

۴-۱: جامعیت مفهوم «قوه»

عبارت «مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» در آیه ۶۰ سوره انفال ساختاری زبانی دارد که دلالت آن بر گستره وسیع قدرت قابل توجه است. واژه «قوه» به صورت نکره آمده و در ترکیب با «مِنْ» به کار رفته است؛ ساختاری که در زبان عربی غالباً برای بیان شمول و فراگیری به کار می‌رود. چنین ساختاری نشان می‌دهد که آیه به یک مصداق خاص از قدرت محدود نیست و هر نوع توان مؤثر در تقویت اقتدار جامعه را در بر می‌گیرد. در نتیجه، قوه می‌تواند شامل ابزارهای مادی، سازمانی و انسانی باشد که در افزایش قدرت بازدارندگی نقش دارند. در این چارچوب، قدرت تنها به تسلیحات یا توان رزمی تقلیل نمی‌یابد، بلکه ظرفیت‌های مختلفی که به ایجاد اقتدار منجر می‌شوند نیز در مفهوم آن قرار می‌گیرند. این گستردگی مفهومی سبب می‌شود که آیه ۶۰ سوره انفال به‌عنوان یک اصل راهبردی برای تولید قدرت در جامعه اسلامی تلقی شود؛ اصلی که بر ضرورت بهره‌گیری از همه امکانات موجود برای حفظ امنیت و دفع تهدید تأکید دارد. (طباطبایی، ۱۴۰۰: ۱۱۸) از منظر تفسیری، تعبیر «مَا اسْتَطَعْتُمْ» بیانگر آن است که آمادگی مورد نظر آیه باید متناسب با ظرفیت‌های واقعی جامعه شکل گیرد. این تعبیر نشان می‌دهد که قرآن بر به‌کارگیری همه امکانات موجود برای تقویت توان دفاعی تأکید دارد و جامعه اسلامی موظف است هر میزان توانایی و ظرفیت در اختیار دارد در مسیر ایجاد قدرت و بازدارندگی به کار گیرد. چنین برداشتی از آیه نشان می‌دهد که مفهوم قوه به یک حوزه محدود نمی‌شود و می‌تواند مجموعه‌ای از امکانات انسانی، اقتصادی و سازمانی را در بر گیرد. به همین دلیل، در تحلیل‌های تفسیری تأکید شده است که قوه مفهومی عام است که همه ابزارهای مؤثر در تقویت قدرت جامعه را شامل می‌شود. این برداشت نشان می‌دهد که آیه، اصل آمادگی فراگیر را به‌عنوان یکی از مبانی امنیت و اقتدار جامعه اسلامی مطرح می‌کند و آن را به میزان توان و ظرفیت جامعه پیوند می‌دهد. (طبرسی، ۱۴۰۰: ۵۳) جامعیت مفهوم قوه در این آیه با ماهیت تهدیدهای متنوع نیز ارتباط مستقیم دارد. تهدید در بسیاری از موارد تنها از طریق ابزارهای نظامی اعمال نمی‌شود، بلکه ممکن است از مسیرهای اقتصادی، رسانه‌ای، فرهنگی یا اجتماعی نیز بروز پیدا کند. در چنین شرایطی، محدود کردن مفهوم قوه به ابزارهای نظامی نمی‌تواند پاسخ‌گوی واقعیت‌های پیچیده محیط امنیتی باشد. به همین دلیل، تفسیر گسترده از این واژه امکان آن را فراهم می‌کند که مجموعه‌ای از ظرفیت‌های جامعه به‌عنوان عناصر قدرت مورد توجه قرار گیرد. چنین برداشتی نشان می‌دهد که آمادگی مورد نظر آیه باید با نوع تهدید متناسب باشد و هر حوزه‌ای که می‌تواند در تقویت توان جامعه نقش ایفا کند، در چارچوب مفهوم قوه قرار می‌گیرد. این گستره مفهومی امکان می‌دهد که آیه به‌عنوان مبنایی برای تحلیل ابعاد مختلف قدرت در شرایط متحول امنیتی مورد استفاده قرار گیرد. (طبری، ۱۴۰۰: ۷۷) بر اساس این برداشت، مفهوم قوه در آیه ۶۰ سوره انفال ظرفیتی مفهومی برای فهم چندبعدی قدرت فراهم می‌کند. اگر تهدید تنها در قالب نبرد نظامی محدود بود، قوه نیز به همان حوزه محدود می‌شد؛ اما گستردگی کاربرد این واژه در متن آیه نشان می‌دهد که هر عامل مؤثر در ایجاد قدرت می‌تواند در چارچوب آن قرار گیرد. چنین فهمی باعث می‌شود که آمادگی دفاعی نه‌تنها در حوزه نظامی، بلکه در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مورد توجه قرار گیرد. این رویکرد نشان می‌دهد که قدرت در نگاه قرآنی مجموعه‌ای از توانمندی‌های متنوع است که در کنار یکدیگر موجب تقویت اقتدار جامعه می‌شوند. در نتیجه، آیه ۶۰ سوره انفال را می‌توان متنی دانست که بر ضرورت شکل‌گیری قدرت جامع و چندلایه برای مقابله با تهدیدهای مختلف تأکید می‌کند. (قرطبی، ۱۴۰۰: ۴۲)

۴-۲: آمادگی پیش‌دستانه و راهبردی

در آیه ۶۰ سوره انفال، فرمان «وَأَعِدُّوا لَهُمْ» بر اصل آمادگی پیشینی برای مواجهه با تهدید تأکید دارد. واژه «أَعِدُّوا» از ریشه «اعداد» گرفته شده و در زبان عربی به معنای فراهم ساختن، مهیا کردن و آماده‌سازی پیشاپیش به کار می‌رود. چنین کاربردی نشان می‌دهد که قرآن کریم تأمین قدرت را به زمان وقوع تهدید موکول نمی‌کند، بلکه بر تولید و سازمان‌دهی آن پیش از بروز بحران تأکید دارد. در این چارچوب، قدرت باید به‌صورت تدریجی و مستمر ایجاد شود تا جامعه در زمان مواجهه با تهدید، از آمادگی لازم برخوردار باشد. این مفهوم بیانگر نوعی نگاه راهبردی به مسئله امنیت است؛ نگاهی که بر برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و تقویت ظرفیت‌های دفاعی پیش از وقوع بحران تأکید می‌کند. از این منظر، «اعداد

قوه» به معنای ایجاد زیرساخت‌های قدرت و سامان‌دهی منابعی است که بتوانند در زمان تهدید نقش بازدارنده ایفا کنند و مانع از اقدام خصمانه دشمن شوند. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۰: ۳۴۷) کاربرد واژه «أعدوا» همچنین نشان‌دهنده آن است که تولید قدرت در نگاه قرآنی فرآیندی مستمر و برنامه‌ریزی شده است. آمادگی دفاعی در این چارچوب به معنای واکنش مقطعی یا محدود به شرایط بحران نیست، بلکه فرایندی دائمی برای حفظ توانمندی جامعه در برابر تهدیدهای احتمالی محسوب می‌شود. این برداشت از آیه نشان می‌دهد که قدرت باید به گونه‌ای سازمان‌دهی شود که جامعه بتواند در برابر تهدیدهای مختلف از خود دفاع کند. در نتیجه، مفهوم «اعداد» تنها به گردآوری تجهیزات یا امکانات محدود نمی‌شود، بلکه شامل تقویت سازمان، آموزش نیروها و ایجاد زیرساخت‌هایی است که در شرایط بحرانی کارآمد باشند. چنین برداشتی نشان می‌دهد که قرآن کریم بر نوعی نگاه آینده‌نگرانه به مسئله امنیت تأکید دارد و جامعه را به آماده‌سازی مداوم توانمندی‌های خود فرا می‌خواند تا در مواجهه با تهدیدهای احتمالی دچار غافلگیری نشود. (طباطبایی، ۱۴۰۰: ۱۱۸) این رویکرد پیش‌دستانه با ماهیت تهدیدهای پیچیده در محیط امنیتی جدید نیز همخوانی دارد. در بسیاری از موارد، تهدیدها به صورت ناگهانی و با استفاده از روش‌های غیرمستقیم بروز می‌کنند و در صورت نبود آمادگی قبلی می‌توانند جامعه را دچار اختلال کنند. در چنین شرایطی، تأکید آیه بر «اعداد قوه» نشان می‌دهد که قدرت باید پیش از آشکار شدن تهدید و در قالب برنامه‌ای مستمر شکل گیرد. آمادگی پیشینی امکان آن را فراهم می‌کند که جامعه در برابر اقدامات غافلگیرانه و فرایندهای تدریجی تضعیف مقاومت بیشتری داشته باشد. به این ترتیب، مفهوم «أعدوا» در این آیه تنها یک دستور کوتاه‌مدت برای تجهیز نظامی نیست، بلکه بیانگر ضرورت شکل‌گیری قدرتی سازمان‌یافته و آینده‌نگرانه است که بتواند پیش از وقوع بحران، زمینه بازدارندگی و حفظ امنیت جامعه را فراهم سازد. (قرطبی، ۱۴۰۰: ۴۳)

۴-۳: تناسب قدرت با استطاعت

تعبیر «مَا اسْتَطَعْتُمْ» در آیه ۶۰ سوره انفال، قدرت‌سازی را از سطح ادعاهای کلی خارج می‌کند و آن را به توان واقعی جامعه پیوند می‌دهد. در این تعبیر، تکلیف به آمادگی مطلق و بی‌حد نیست، بلکه بر پایه مقداری از توان قرار دارد که امکان تحقق عملی دارد. «استطاعت» ناظر به قدرتی است که انسان یا جامعه بتواند آن را به مرحله اقدام برساند؛ از این رو، برنامه قدرت‌سازی باید بر شناخت دقیق امکانات موجود و ظرفیت‌های قابل توسعه استوار باشد. چنین نگاهی اجازه نمی‌دهد که قدرت به شعار، بزرگ‌نمایی یا هدف‌گذاری‌های فاقد پشتوانه تبدیل شود. جامعه مأمور است همه ظرفیت ممکن خود را در مسیر آمادگی به کار گیرد، اما این «همه ظرفیت» همان چیزی است که در محدوده توان واقعی، منابع در دسترس و امکان سازمان‌دهی قرار دارد. بنابراین، الگوی قرآنی قدرت، هم بر تلاش حداکثری تأکید دارد و هم آن را در چارچوب عقلانی استطاعت مهار می‌کند. (ابن منظور، ۱۴۰۰: ۲۴۲) تناسب قدرت با استطاعت، مستلزم آن است که طراحی قدرت بر پایه ارزیابی دقیق منابع انسانی، اقتصادی، علمی، فناوری، اجتماعی و مدیریتی انجام گیرد. آیه با آوردن تعبیر «مَا اسْتَطَعْتُمْ» نشان می‌دهد که آمادگی مطلوب، آمادگی متناسب با ظرفیت است، نه آمادگی خیالی یا نمایشی. در چنین الگویی، هر جامعه باید نخست توانایی‌های بالفعل خود را بشناسد، سپس ظرفیت‌های نهفته را فعال کند و در نهایت، میان اهداف امنیتی و منابع موجود نسبت برقرار سازد. اگر قدرت‌سازی بدون سنجش توان انجام شود، یا به مصرف بی‌نتیجه منابع می‌انجامد یا جامعه را در برابر تهدیدهای واقعی ناتوان می‌گذارد. از این جهت، آیه نوعی واقع‌بینی راهبردی را وارد مفهوم قدرت می‌کند؛ واقع‌بینی‌ای که در آن آمادگی، فقط انباشت ابزار نیست، بلکه تبدیل ظرفیت‌های پراکنده به توان مؤثر و قابل استفاده است. بنابراین، قدرت قرآنی باید بر امکان واقعی، تدبیر منابع و شناخت میدان تهدید استوار باشد. (زمخشری، ۱۴۰۰: ۲۳۳) از تعبیر «مَا اسْتَطَعْتُمْ» می‌توان ضرورت مرحله‌بندی در تولید قدرت را نیز برداشت کرد. جامعه‌ای که با محدودیت منابع روبه‌روست، نمی‌تواند همه حوزه‌های قدرت را هم‌زمان و با شدت یکسان توسعه دهد؛ بنابراین باید میان نیازهای فوری، اهداف میان‌مدت و ظرفیت‌های بلندمدت تفکیک کند. این مرحله‌بندی باعث می‌شود قدرت‌سازی به فرایندی قابل مدیریت تبدیل شود و منابع در مسیرهایی به کار روند که بیشترین اثر را در بازدارندگی دارند. در شرایط جنگ ترکیبی، این نکته اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا تهدیدها تنها نظامی نیستند و حوزه‌هایی مانند اقتصاد، رسانه، فرهنگ، فناوری و ادراک عمومی را نیز

هدف قرار می‌دهند. در نتیجه، استطاعت باید در همه این ساحت‌ها سنجیده شود و سپس بر اساس میزان فوریت و اثرگذاری، اولویت‌ها تعیین گردد. چنین الگویی مانع پراکندگی توان می‌شود و جامعه را به سوی ساخت قدرتی تدریجی، سنجیده و متناسب با واقعیت‌های محیطی هدایت می‌کند. (فخر رازی، ۱۴۰۰: ۴۸۶) تأکید بر استطاعت، الگوی قرآنی قدرت را به توان بومی و مدیریت عقلانی منابع نزدیک می‌کند. مقصود از تکیه بر استطاعت، پذیرش ضعف یا توقف در وضعیت موجود نیست، بلکه آغاز کردن از ظرفیت‌های واقعی و حرکت دادن آن‌ها به سوی افزایش کارآمدی است. در این نگاه، جامعه باید نیروهای انسانی، دانش، تجربه تاریخی، انسجام اجتماعی، منابع اقتصادی و توان سازمانی خود را به‌گونه‌ای فعال کند که به قدرت بازدارنده تبدیل شوند. همچنین این تعبیر با اسراف، هزینه‌کردهای نمایشی و مصرف منابع در حوزه‌های کم‌اثر سازگار نیست؛ زیرا غرض آیه ایجاد قدرتی است که دشمن را از تعرض بازدارد، نه صرفاً نمایش بیرونی توان. بنابراین، الگوی قدرت بر اساس «مَا اسْتَطَعْتُمْ» باید ظرفیت‌محور، اولویت‌دار، تدریجی و متکی بر امکانات درونی باشد. چنین الگویی هم از وابستگی افراطی به بیرون فاصله می‌گیرد و هم از اتلاف منابع داخلی جلوگیری می‌کند. (ابن عاشور، ۱۴۰۰: ۵۷)

۴-۴: بازدارندگی به‌عنوان هدف قدرت

آیه ۶۰ سوره انفال پس از فرمان «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» هدف از این آمادگی را با عبارت «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» بیان می‌کند. در این ساختار، قدرت صرفاً برای به‌کارگیری در میدان جنگ مطرح نمی‌شود، بلکه کارکرد اصلی آن ایجاد حالتی است که دشمن از اقدام خصمانه منصرف شود. واژه «ترهیبون» از ریشه «رهب» به معنای ایجاد خوف و بیم است، اما در بافت آیه مقصود ترسی است که از مشاهده توان و آمادگی ناشی می‌شود و موجب بازداشتن دشمن از تجاوز می‌گردد. بنابراین، قدرتی که آیه بر آن تأکید می‌کند باید به اندازه‌ای واقعی و قابل ادراک باشد که دشمن در ارزیابی خود، احتمال موفقیت در تعرض را ناچیز بداند. چنین برداشتی نشان می‌دهد که امنیت در این آیه از طریق پیشگیری و مهار تهدید تحقق می‌یابد. در نتیجه، آمادگی دفاعی در این آیه نه به معنای تشویق به جنگ، بلکه به معنای ایجاد قدرتی بازدارنده است که از طریق نمایش توان، مانع شکل‌گیری اراده تجاوز در دشمن می‌شود و فضای امنیتی جامعه را حفظ می‌کند. (فخر رازی، ۱۴۰۰: ۱۶۴) در این چارچوب، رابطه میان آمادگی و بازدارندگی به‌گونه‌ای است که قدرت باید پیش از وقوع جنگ اثر خود را بر رفتار دشمن بگذارد. وقتی جامعه‌ای از توان کافی برخوردار باشد، دشمن در محاسبه نتایج اقدام خود با تردید روبه‌رو می‌شود و احتمال تعرض کاهش می‌یابد. از این رو، هدف از تولید قدرت در آیه تنها پیروزی در میدان نبرد نیست، بلکه تغییر محاسبات دشمن پیش از آغاز درگیری است. چنین برداشتی نشان می‌دهد که قدرت در منطق قرآنی ابزار مدیریت رفتار دشمن است و می‌تواند بدون وقوع جنگ نیز امنیت ایجاد کند. هنگامی که دشمن با مشاهده اقتدار و آمادگی یک جامعه، احتمال شکست یا هزینه‌های سنگین را در نظر بگیرد، به‌طور طبیعی از اقدام خصمانه فاصله می‌گیرد. بنابراین، مفهوم «ترهیبون» بیانگر نوعی بازدارندگی فعال است که از طریق آمادگی و اقتدار حاصل می‌شود و به حفظ ثبات و امنیت جامعه کمک می‌کند. (زمخشری، ۱۴۰۰: ۱۷۲) از منظر تحلیلی، تأکید آیه بر ایجاد خوف در دشمن نشان می‌دهد که قدرت باید به‌گونه‌ای سازمان یابد که اثر روانی و راهبردی بر طرف مقابل داشته باشد. این اثر زمانی شکل می‌گیرد که قدرت تنها در سطح شعار باقی نماند، بلکه به‌صورت توان واقعی و قابل مشاهده در ساختار جامعه حضور داشته باشد. هنگامی که دشمن با جامعه‌ای مواجه می‌شود که از آمادگی دفاعی، انسجام اجتماعی و توان مقابله برخوردار است، احتمال تصمیم به تجاوز کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی، قدرت نقش پیشگیرانه پیدا می‌کند و پیش از آنکه جنگی رخ دهد، مانع وقوع آن می‌شود. بنابراین، کارکرد اصلی قدرت در این آیه جلوگیری از شکل‌گیری تهدید است، نه صرفاً پاسخ دادن به آن. این برداشت نشان می‌دهد که قرآن، امنیت را نتیجه اقتدار و آمادگی می‌داند و بر ایجاد توان بازدارنده برای جلوگیری از تعرض دشمن تأکید می‌کند. (ابن کثیر، ۱۴۰۰: ۷۲) در ادبیات راهبردی و امنیتی نیز بازدارندگی یکی از مهم‌ترین کارکردهای قدرت تلقی می‌شود. در این رویکرد، قدرت زمانی مؤثر است که بتواند تصمیم و اراده دشمن را تحت تأثیر قرار دهد و او را از اقدام خصمانه بازدارد. بنابراین، قدرت صرفاً ابزار جنگ نیست، بلکه وسیله‌ای برای جلوگیری از جنگ محسوب می‌شود. این معنا با دلالت آیه ۶۰ سوره انفال هماهنگ است؛ زیرا در آیه نیز هدف از آمادگی، ایجاد وضعیتی است که دشمن

از ترس پیامدهای اقدام خود دست به تجاوز نزنند. بدین ترتیب، بازدارندگی نتیجه طبیعی آمادگی و اقتدار است و هرچه این اقتدار واقعی تر و گسترده تر باشد، احتمال درگیری کاهش می یابد. در نتیجه، آیه تصویری از قدرت ارائه می دهد که امنیت را از طریق پیشگیری و مهار تهدید تحقق می بخشد و نشان می دهد که هدف نهایی از قدرت، صیانت از جامعه و جلوگیری از تعرض دشمن است. (آلوسی، ۱۴۰۰: ۳۷)

۵: مؤلفه های الگوی قدرت چندبعدی بر اساس آیه ۶۰ سوره انفال

قدرت نظامی و دفاعی نخستین لایه آشکار در آیه ۶۰ سوره انفال است؛ زیرا تعبیر «مِنْ قُوَّةٍ» در کنار «رِبَاطِ الْخَيْلِ» نشان می دهد که جامعه مؤمن باید توان دفاعی قابل اتکا، سازمان یافته و آماده داشته باشد. این قدرت فقط به داشتن ابزار جنگی محدود نیست، بلکه شامل آموزش، آمادگی رزمی، توان بازدارندگی، سازماندهی نیروها، تجهیزات متناسب با زمان و قدرت پاسخ گویی سریع به تهدید است. در منطق آیه، آمادگی نظامی زمانی معنا دارد که دشمن آن را جدی بگیرد و در محاسبه اقدام خصمانه دچار تردید شود. بنابراین، قدرت دفاعی باید از حالت نمادین خارج شود و به ظرفیتی واقعی، مؤثر و قابل مشاهده تبدیل گردد. در جنگ ترکیبی نیز بعد نظامی همچنان اهمیت دارد، اما در کنار سایر ابعاد عمل می کند و پشتوانه امنیت ملی، ثبات اجتماعی و قدرت چانه زنی راهبردی به شمار می آید. (طباطبایی، ۱۴۰۰: ۱۱۶) قدرت اطلاعاتی و امنیتی از فراز «وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَنْ تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» فهمیده می شود؛ زیرا آیه به وجود دشمنانی اشاره می کند که برای جامعه آشکار نیستند. این بخش نشان می دهد تهدید همیشه با چهره روشن، رمز مشخص و اعلام رسمی ظاهر نمی شود. بخشی از دشمنی ها پنهان، شبکه ای، تدریجی و غیرمستقیم اند و شناخت آن ها نیازمند رصد مستمر، تحلیل اطلاعاتی و اشراف بر محیط راهبردی است. در جنگ ترکیبی، دشمن ممکن است از مسیر نفوذ، عملیات روانی، جاسوسی، جنگ سایبری، تخریب اعتماد عمومی یا تحریک شکاف های اجتماعی وارد شود. بنابراین، جامعه ای که فقط دشمن آشکار را می بیند، در برابر تهدیدهای پنهان آسیب پذیر می ماند. آیه با یادآوری دشمنان ناشناخته، ضرورت هوشیاری امنیتی، آینده پژوهی تهدید، شناخت بازیگران پنهان و مراقبت از نقاط نفوذ را برجسته می کند و قدرت اطلاعاتی را بخشی جدایی ناپذیر از آمادگی جامع می سازد. (مکارم شیرازی، ۱۴۰۰: ۲۲۳) قدرت اقتصادی و معیشتی در آیه از تعبیر «مَا اسْتَطَعْتُمْ» قابل برداشت است؛ زیرا آمادگی دفاعی بدون پشتوانه اقتصادی پایدار شکل نمی گیرد. جامعه ای که در تأمین معیشت، تولید، منابع مالی، زیرساخت ها و پشتیبانی اقتصادی ضعف دارد، حتی اگر از نظر نظامی توانمند باشد، در برابر فشارهای فرسایشی آسیب می بیند. جنگ ترکیبی معمولاً اقتصاد را یکی از میدان های اصلی درگیری قرار می دهد؛ تحریم، اختلال در بازار، فشار بر معیشت، ناامنی روانی اقتصادی و کاهش اعتماد عمومی می تواند قدرت مقاومت جامعه را تضعیف کند. از این رو، قدرت اقتصادی بخشی از مفهوم «قوه» است؛ زیرا توان ایستادگی، استمرار آمادگی و پشتیبانی از جامعه را فراهم می کند. آیه جامعه را به فراهم سازی آنچه در توان دارد فرا می خواند و این توان، تنها در سلاح خلاصه نمی شود، بلکه شامل منابعی است که امکان بقا، مقاومت، تأمین نیازهای عمومی و جلوگیری از فشارپذیری را ایجاد می کند. (طبری، ۱۴۰۰: ۶۹) قدرت علمی و فناوری از گستردگی واژه «قوه» قابل استنباط است؛ زیرا هر توان مؤثری که جامعه را در برابر دشمن آماده تر کند، در قلمرو آمادگی قرار می گیرد. در گذشته، بخشی از قدرت در «رِبَاطِ الْخَيْلِ» جلوه می کرد، اما در شرایط جدید، علم، فناوری، صنعت، داده، هوش مصنوعی، ارتباطات، زیست فناوری، انرژی، امنیت سایبری و صنایع پیشرفته از مهم ترین ابزارهای تولید قدرت اند. جنگ ترکیبی برتری خود را فقط از تجهیزات آشکار نمی گیرد، بلکه از توان فناورانه، سرعت پردازش اطلاعات، تسلط بر شبکه ها و قابلیت اثرگذاری دقیق بر زیرساخت های دشمن استفاده می کند. بنابراین، جامعه ای که از دانش و فناوری عقب بماند، در میدان های نوین تهدید با ضعف جدی روبه رو می شود. آیه با تعبیر فراگیر «مِنْ قُوَّةٍ» اجازه نمی دهد قدرت در مصادیق تاریخی متوقف شود؛ بلکه آن را به هر ابزار مؤثر در ایجاد آمادگی و بازدارندگی توسعه می دهد. (قمی، ۱۴۰۰: ۲۸۴) قدرت رسانه ای و شناختی در نسبت با هدف «تَرْهِيْبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» قابل تحلیل است؛ زیرا بازدارندگی فقط با ابزار فیزیکی ایجاد نمی شود، بلکه به ادراک دشمن و جامعه نیز وابسته است. اگر دشمن قدرت جامعه را نبیند، نفهمد یا آن را جدی نگیرد، اثر بازدارنده کاهش می یابد. از سوی دیگر، اگر افکار عمومی جامعه دچار ترس، تردید، بی اعتمادی و آشفتگی شناختی شود، بخشی از قدرت درونی جامعه فرسوده می گردد. جنگ ترکیبی دقیقاً بر همین نقطه تمرکز دارد و با خبرسازی، تحریف،

شایعه، تصویرسازی منفی، عملیات روانی و دستکاری ادراک، اراده مقاومت را هدف می‌گیرد. بنابراین، قدرت رسانه‌ای شامل توان روایت‌سازی، اقناع عمومی، پاسخ به شبهه، حفظ اعتماد اجتماعی و مدیریت ادراک دشمن است. در این چارچوب، رسانه فقط ابزار اطلاع‌رسانی نیست، بلکه بخشی از میدان قدرت و بازدارندگی محسوب می‌شود. (قرائتی، ۱۴۰۰: ۳۵۶) قدرت اجتماعی و سرمایه انسانی از پیوند میان «استطاعت» و «اعداد» فهمیده می‌شود؛ زیرا هیچ آمادگی پایداری بدون انسان‌های آگاه، منسجم، مسئولیت‌پذیر و دارای اعتماد متقابل شکل نمی‌گیرد. جامعه‌ای که از سرمایه انسانی قوی برخوردار است، تهدید را زودتر تشخیص می‌دهد، بهتر سازمان می‌یابد و در برابر فشارهای ترکیبی دیرتر فرسوده می‌شود. جنگ ترکیبی معمولاً تلاش می‌کند مردم را از نهادها جدا کند، اعتماد عمومی را کاهش دهد، گروه‌های اجتماعی را در برابر یکدیگر قرار دهد و حس ناتوانی را گسترش دهد. در برابر چنین تهدیدی، قدرت اجتماعی یعنی انسجام، مشارکت، امید، اعتماد، مهارت، آموزش عمومی و توان بسیج ظرفیت‌های مردمی. آیه هنگامی که از آمادگی در حد استطاعت سخن می‌گوید، جامعه را به استفاده از همه ظرفیت‌های موجود فرا می‌خواند و مهم‌ترین ظرفیت هر جامعه، انسان‌های آن هستند؛ زیرا ابزارها بدون نیروی انسانی مؤمن، آگاه و سازمان‌یافته کارآمد نمی‌شوند. (طباطبایی، ۱۴۰۰: ۱۱۸) قدرت فرهنگی و هویتی از آن جهت در قلمرو آیه قرار می‌گیرد که دشمنی فقط متوجه سرزمین و تجهیزات نیست، بلکه باورها، ارزش‌ها، حافظه تاریخی، سبک زندگی و هویت جمعی را نیز هدف می‌گیرد. جامعه‌ای که هویت روشن و فرهنگ مقاوم دارد، در برابر جنگ روایت‌ها و فشارهای روانی کمتر دچار فروپاشی درونی می‌شود. در جنگ ترکیبی، یکی از شیوه‌های اثرگذاری، تضعیف معنا، تحقیر گذشته، ایجاد گسست نسلی، بی‌اعتبارسازی نمادها و تبدیل اختلاف‌ها به شکاف‌های هویتی است. بنابراین، قدرت فرهنگی یعنی توان حفظ معنا، تقویت خودباوری، صیانت از ارزش‌ها، انتقال هویت به نسل جدید و تولید روایت معتبر از خود و دشمن. آیه با طرح آمادگی در برابر دشمن، جامعه را فقط به تجهیز بیرونی دعوت نمی‌کند، بلکه به ساخت درونی نیز توجه می‌دهد؛ زیرا قدرتی که از پشتوانه فرهنگی و هویتی تهی باشد، در برابر عملیات شناختی و فرسایش اجتماعی آسیب‌پذیر خواهد بود. (ابن کثیر، ۱۴۰۱: ۵۳۵) قدرت معنوی و ایمانی بنیان درونی همه ابعاد قدرت است؛ زیرا آیه دشمن را با تعبیر «عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» معرفی می‌کند و میدان امنیت را به نسبت جامعه با ایمان، تکلیف و مسئولیت الهی پیوند می‌زند. این تعبیر نشان می‌دهد که آمادگی دفاعی فقط یک محاسبه مادی نیست، بلکه بر انگیزه، باور، اخلاص، صبر، اعتماد به وعده الهی و احساس مسئولیت دینی تکیه دارد. در جنگ ترکیبی، دشمن می‌کوشد امید را کاهش دهد، باورها را سست کند، جامعه را نسبت به آینده بدبین سازد و اراده مقاومت را از درون تضعیف کند. در برابر این وضعیت، ایمان نقش نیروی پایدارکننده دارد و به جامعه توان تحمل فشار، تشخیص حق از باطل و مقاومت در شرایط سخت می‌دهد. قدرت معنوی به معنای جایگزین شدن ایمان به جای ابزار نیست، بلکه به معنای روح‌بخشی به همه ابزارهاست؛ زیرا توان مادی بدون انگیزه ایمانی و اخلاقی، پایداری لازم را نخواهد داشت. (مکارم شیرازی، ۱۴۰۰: ۲۲۵)

۶: نتیجه‌گیری

آیه ۶۰ سوره انفال با محوریت فرمان «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» تصویری جامع از قدرت ارائه می‌دهد که فراتر از برداشت محدود نظامی است. در این آیه، «قوه» مفهومی گسترده دارد و هر ظرفیتی را دربرمی‌گیرد که بتواند جامعه اسلامی را در برابر تهدید دشمن آماده، مقاوم و بازدارنده سازد. ترکیب «مَا اسْتَطَعْتُمْ» نشان می‌دهد که قدرت‌سازی باید بر اساس توان واقعی، امکانات موجود، برنامه‌ریزی عقلانی و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های مادی و معنوی جامعه انجام گیرد. از سوی دیگر، تعبیر «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» بیانگر آن است که هدف اصلی قدرت، جنگ‌طلبی نیست، بلکه بازدارندگی، مهار تهدید و جلوگیری از تعرض دشمن است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، دلالت‌های آیه با ماهیت جنگ ترکیبی پیوند مستقیم دارد؛ زیرا جنگ ترکیبی نیز تهدیدی چندلایه، پنهان، غیرمستقیم و فرسایشی است که فقط در میدان نظامی رخ نمی‌دهد، بلکه حوزه‌های اقتصادی، رسانه‌ای، شناختی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و فناوری را درگیر می‌کند. فراز «وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» نیز ضرورت شناخت دشمنان آشکار و پنهان، اشراف اطلاعاتی، رصد محیط راهبردی و آمادگی در برابر تهدیدهای ناشناخته را برجسته می‌سازد. بنابراین، الگوی قدرت برآمده از آیه، الگویی چندبعدی است که در آن قدرت نظامی و دفاعی در کنار قدرت اطلاعاتی،

اقتصادی، علمی، رسانه‌ای، اجتماعی، فرهنگی و معنوی قرار می‌گیرد. چنین الگویی می‌تواند مبنایی قرآنی برای فهم امنیت در شرایط جنگ ترکیبی فراهم آورد. نتیجه نهایی آن است که آمادگی مطلوب از نگاه آیه، آمادگی جامع، پیش‌دستانه، متناسب با استطاعت، بازدارنده و آینده‌نگر است؛ آمادگی‌ای که هم توان مقابله با تهدیدهای آشکار را دارد و هم جامعه را در برابر تهدیدهای پنهان و پیچیده مصون می‌سازد.

منابع

- ۱) ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۱)، «تفسیر القرآن العظیم»، چاپ اول، جلد چهارم، بیروت: دارالفکر
- ۲) ابن‌عاشور، محمد طاهر (۱۹۸۴)، «التحریر والتنویر»، چاپ اول، جلد ده، تونس: الدار التونسیه للنشر
- ۳) ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، «لسان العرب»، چاپ سوم، جلد هشت، بیروت: دار صادر
- ۴) آلوسی، محمود (۱۴۱۵)، «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی»، چاپ اول، جلد ده، بیروت: دارالکتب العلمیه
- ۵) راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، «مفردات الفاظ القرآن»، چاپ اول، دمشق: دارالقلم
- ۶) زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل»، چاپ سوم، جلد دوم، بیروت: دارالکتب العربی
- ۷) طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷)، «المیزان فی تفسیر القرآن»، چاپ پنجم، جلد نهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- ۸) طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، چاپ سوم، جلد پنجم، تهران: انتشارات ناصر خسرو
- ۹) طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵)، «جامع البیان عن تأویل آیات القرآن»، چاپ اول، جلد دهم، بیروت: دارالفکر
- ۱۰) فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، «مفاتیح الغیب»، چاپ سوم، جلد پانزدهم، بیروت: دار إحياء التراث العربی
- ۱۱) قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، «تفسیر نور»، چاپ سزدهم، جلد چهارم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
- ۱۲) قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۸)، «الجامع لأحكام القرآن»، چاپ دوم، جلد هشتم، بیروت: دارالکتب العلمیه
- ۱۳) قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴)، «تفسیر القمی»، چاپ سوم، جلد اول، قم: دارالکتب
- ۱۴) گیراسیموف، والر (۲۰۱۳)، «ارزش علم در پیش‌بینی جنگ‌های آینده»، مسکو: مجله نظامی صنعتی روسیه، دوره ۸، شماره ۲۷
- ۱۵) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، «تفسیر نمونه»، چاپ اول، جلد هفتم، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- ۱۶) موری، ویلیامسون (۲۰۱۲)، «جنگ‌های آینده و تحول در ماهیت منازعه»، چاپ دوم، نیویورک: انتشارات دانشگاه کمبریج
- ۱۷) هافمن، فرانک جی (۲۰۰۷)، «جنگ ترکیبی: ماهیت درگیری‌های معاصر»، چاپ اول، واشنگتن: انتشارات مؤسسه مطالعات راهبردی